

# تعرض رعب انگیز سرمایه

## به سفره بی نان توده های کارگر



مزدک کوهکن / خرداد ۱۴۰۱

سرمایه داری ایران در همه وجوه هستی خود، از چرخه تولید و سامان پذیری سرمایه گرفته تا ساختار نظم سیاسی، راهبرد توسعه طلبی و سهم خواهی های منطقه ای، سناریوی تسویه حساب های غلاف در غلاف اندرونی و بین المللی، اسیر بحران، فروپاشیدگی، بن بست های فرساینده و تناقضات حاد کوبنده است. چرخ تولید، سیاست، نظم، حاکمیت سرمایه نمی چرخد، حجم سرمایه گذاری ها کوه آسا، نرخ اضافه ارزش ها حیرت زا، سودها پر خروش و طغیان آمیز، شدت استثمار کارگران مرگ آور است، اما سونامی اضافه ارزش ها، نه عطش مشتعل طبقه سرمایه دار برای انباشت افراطی سرمایه راهیج تشفی می بخشد، نه کفاف هزینه های کهنکشانان ماشین اختاپوسی نظم سیاسی و دستگاههای اعمال قهر فیزیکی و فکری سرمایه را می دهد، نه هزینه های مستمر را به افزون بحران آفرینی های سهم خواهانه و زیادت طلبانه منطقه ای جمهوری اسلامی را پاسخگو است و نه حتی جوع ماوراء افراطی خیل کثیر باندهای مافیائی درون ساختار قدرت و شرکای کثیرالعهده تر آنها به بلع افعی وار حاصل استثمار کارگران را آرام می سازد. سرمایه، دولت و حاکمیتش به اضافه ارزش های غول آسوتر نیاز دارند و در این شرائط وانفسا تنها راه پیش روی آنها، سلاخی هر چه سبعمانه تر سفره های خالی کارگران با هدف افزایش سهم سود طبقه سرمایه دار و رژیم حاکم سرمایه است. فاشیسم اسلامی بورژوازی در راستای رفع این نیاز و تأمین حتی المقدور این هدف، دستیازی همزمان به چند تعرض جنایت آمیز علیه خورد و خوراک و لباس و معاش و دارو و درمان توده های کارگر را دستور کار ساخته است اینک:

۱- آنچه را پیش تر در شروع سال جاری، زیر نام افزایش ۵۷ درصدی دستمزدها جنجال گردید، باطل و ملغی اعلام کند. ۲- «کمک هزینه» موسوم به «یارانه» را در وسیع ترین سطح از میان بردارد و پرداختش را برای همیشه منتفی سازد. ۳- و بالاخره قیمت ها به ویژه بهای مایحتاج اولیه و حیاتی توده های کارگر را بسیار انفجار آمیزتر از سابق افزایش دهد. اعمال همزمان این سه تعرض فاحش فاشیستی به معیشت و درمان دهها میلیون نفوس توده کارگر که همین امروز هم لقمه نانی برای سیر کردن شکم گرسنه و طاقه کرباسی برای پوشاندن اسکلت عریان خویش ندارند، با هیچ عبارتی قابل توصیف نیست، آنچه می

توان گفت این است که رژیم در حال برنامه ریزی، سازماندهی و اجرای طرح هولناک قتل عام معیشت کارگران به امید پاسخ به انتظارات ددمنشانه سرمایه داران و تضمین بقای سرمایه داری است. این قتل عام موحش شرم آور اینک در آستانه اجرا است، رخداد سیاه رعب انگیزی که هیچ کارگری نمی تواند خود را نسبت به لزوم تدارک آگاهانه و سنجیده برای پاسخ قاطع و چاره ساز به آن بی تفاوت ببیند.

رئیس جلا، زمخت و عریان تصریح کرده است که مصوبه افزایش مزدها با شاخص ۵۷٪ را دور می اندازد، در بهترین حالت به یک فزونی ۱۰ درصدی تن می دهد، این را نیز به هیچ وجه تعهد نمی کند، او عملاً چنین نموده است، در حالی که نیمه نخست ماه سوم سال در حال پایان است، هنوز هیچ کارگری هیچ ریال افزایش مزد متعارف سالانه دریافت نکرده است، هیچ سرمایه دار یا هیچ مؤسسه دولتی سرمایه حاضر به دادن هیچ توضیحی در این گذر نگردیده است. بر اساس اطلاع، نهاد حکومتی موسوم به «شورای عالی کار» خواسته است «اظهار لحنیه» کند، زیر نام یک سازمان حقوقی بورژوازی نقش خود در تنظیم و تقریر مصوبه را متذکر گردد، از مزایای کثیر آن برای رفع خطر جنبش کارگری از سر سرمایه گوید و در همین راستا خواستار انصراف دولت از الغای کامل مصوبه افزایش مزدها شود، اما پاسخ محکم رئیس سفاک به نهاد مذکور، با زبان زمینی حقوق، نظم و قهر سرمایه آن بوده است که در این روزهای حساس هیچ توجیهی برای دخالت مترسکهای تشریفاتی وجود ندارد، یادشان آورده است که «شورای عالی کار» اهرم فریب بورژوازی برای روزهایی است که سرمایه هزینه لازم فریبکاری ها را دارد، الان زمان تحمل این هزینه ها نیست، دولت وی نیز نه مأمور قهر ملبس به مامشات که از سلاله هیأت مرگ ۶۷ و درو نمودن ۷ هزار، ۷ هزار هر نفس کش معترض می باشد، رئیس اخطار داده است که پرونده افزایش مزد ۵۷ درصدی مختومه است و امکان گشایش مجددش وجود ندارد.

در مورد «یارانه ها» نیز تصمیم رژیم به سلاخی، محدودسازی وسیع فوری و حذف کامل هر چه سریع تر آن در یکی، دو سال آتی قطعی است. «همت قلی زاده» کارشناس اقتصادی رژیم در حوزه پرداخت یارانه می گوید: خانوارهایی که دارای یک واحد مسکونی و یک خودرو هستند، آنهایی که سه سفر خارجی غیرزیارتی دارند، کسانی که یک خودرو عمومی ۴۰۰ میلیون تومانی دارند، مشمول دریافت یارانه نمی گردند. جمهوری اسلامی از بدو پیدایش تا امروز برای هیچ یک از بربریتها و تهاجمات فاشیستی تیموروار خود علیه توده کارگر نیاز به طرح هیچ توجیهی ندیده است، تا چه رسد به اینکه بخواهد برای شیوه تفسیر تصمیمات خویش حد و مرز یا ملاکی قائل باشد. بندهای تصویبنامه دولتی مورد استناد «قلی زاده» در ادبیات فاشیسم اسلامی بورژوازی تعبیرات بسیار روشنی دارد، هر کارگری که دارای یک کومه مسکونی باشد، چهار چرخه با وام بانکی و بهره سنگین برای شیفیت دوم و سوم روزانه کار و ترمیم ناقص هزینه معاش اولاد در اختیار داشته باشد، سفری به ترکیه، ارمنستان یا آذربایجان برای دیدار پدر، مادر، خویشاوند رفته باشد، نام او از لیست یارانه بگیران حذف می گردد. در نظر بیابوریم که فقط شمار کارگران مجبور به حمل مسافر به عنوان کار دوم و لاجرم مجبور به داشتن یک وانت بار سر به چند میلیون نفر می

زند، تعداد کارگرانی هم که سرپناهی برای بیتوته فرزندان ساخته باشند، از این رقم بیشتر است، همه اینها مستطیع و بی نیاز از یارانه قلمداد خواهند گردید و کمک هزینه دریافت نخواهند کرد.

تعرض سوم از همه اینها طوفانی تر و ویرانگرتر است. سیر صعودی جهش وار قیمت ها که پدیده همیشه جاری و همه جا مستولی سرمایه داری ایران در عصر رژیم اسلامی بوده است از هم اکنون روند انفجار پیش گرفته است، بر اساس همه آمارها متوسط بهای مایحتاج اولیه معیشتی کارگران در طول چهار سال اخیر بیش از ۶۰٪ افزایش یافته است و این در حالی است که آنچه زیر نام مزد به توده کارگر پرداخت می شود، طی این دوره حتی ۱۰٪ هم بالا نرفته است!! داده ای که شنیدن آن زلزله بر اندام می اندازد اما واقعیت دردناک و رعب آور زندگی چند ده میلیون نفوس طبقه کارگر ایران است. رژیم برای استتار آنچه سرمایه بر سر انسانها می آرد، عوامفریبی تمامی اعصار تاریخ را از آغاز تا حال جمع آوری، نبش قبر، بازسازی می کند و ساز و برگ تعرض جنایت آمیز علیه زندگی کارگران می سازد. همه جا بانگ می زند که گویا سهم یارانه ها را ۸ برابر کرده است!! در حالی که عملاً ۴۵ دلار یارانه چند سال پیش را با ۳۸۰٪ کاهش به ۱۳ دلار رسانده است!! به بهانه افزایش سرتاسر دروغ و پوشالی یارانه می گوید که فقط بهای چند قلم مواد خوراکی را اندکی افزایش داده است!! اما اولاً این افزایش برق آسا نه اندک که بالای ۳۰۰٪ تا ۷۰۰٪ است!! ثانیاً اقلام مورد شمول افزایش نه ۵ کالا که کل خورد، خوراک، پوشاک، مسکن، دارو، درمان، ایاب و ذهاب، در یک کلام یکایک مایحتاج اولیه حیاتی توده کارگر است. وقتی قیمت هر عدد نان از ۲۰۰۰ تومان به ۵۰۰۰ تومان جهش می کند، در همان روز ساندویچ نیز از ۲۰ هزار تومان به ۵۰ هزار تومان صعود می نماید. بالا رفتن طغیان آمیز قیمت ها، در روی زمین زندگی طبقه کارگر، به زبان معیشت، ارتزاق، تغذیه، حیات و ممت کارگر کاهش فاجعه بار بهای نیروی کار او، ریزش مرگ آور و محو آگین کار پرداخت شده وی، بازتبدیل قهرآمیز کار کار لازم او، به کار اضافی یا سود طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه است. رژیم با سلاح افزایش قیمت ها عملاً آنچه را که زیر نام مزد به توده کارگر پرداخته است تا نیروی کار او را بازتولید و آماده استثمار مجدد سرمایه داران سازد، حتی همین را هم باز پس می گیرد تا بر کوه سود و سرمایه وحوش سرمایه دار بیافزاید. فراموش نکنیم که این مزد، حتی پیش از بازپس گیری و سلاخی اخیر، در بهترین حالت کمتر از ۱۰ درصد دنیای ارزشها، سودها و سرمایه هائی بوده است که طبقه کارگر تولید نموده و تسلیم سرمایه نموده است!!

همه این تعرضات سبعانه اینک توسط فاشیسم درنده اسلامی بورژوازی و دولت سرمایه، در حال اعمال است. رژیم از آینده آنچه می کند، نه عمیقاً اما تا حد زیادی ترسان است. ترس از طغیان توده های عاصی کارگر، شورش های سراسری کارگران گرسنه، آواره و کارتن خواب که بازتاب قهری این تهاجمات طوفانی خواهد بود. این هراس در همان حال فاحش نیست زیرا که رژیم موقعیت متشنت، سردرگم و زمینگیر جنبش کارگری را می داند، به قدرت سرکوب سازمان یافته و فاشیستی خود نیز هنوز اطمینان دارد. با همه این ها دست به کار یک سرکوب سیستماتیک، فاشیستی، بسیار نقشه مند است، شاخص مهم

سرکوب این بار و در دل این موقعیت، نقشه مندی بیش از پیش آنست. فاشیسم اسلامی بورژوازی می کوشد که قهر این بار هر چه استخواندارتر، فلج کننده تر، کوبنده تر، فرساینده تر و حتی المقدور مستتر و دارای پوشش های اغواگر لازم باشد، کاری که مدت ها است شروع گردیده و موفقیت هائی داشته است. رژیم بیشتر از پیش، فعالین کارگری، به ویژه عناصر اثرگذار اندرونی جنبش را بازشناسی کرده است، اطلاعات لازم در باره آنها را گرد آورده است. به محض اطلاع از برگذاری تظاهرات خیابانی، حتی اجتماعات تحصن وار شکایت آمیز، دست به انسداد راههای منتهی به محل تجمع می زند، بازجوییهای خیابانی ترتیب می دهد، به کنترل افراد می پردازد، فعالان را از پیش راهی سیاهچال می کند. تلاش کرده است تا شبیخون فاشیستی اشرار حزب الله به تظاهرات را با کارکردهای موفقیت آمیزتر این چنینی جایگزین نماید، همزمان به فعال تر نمودن هر چه بیشتر جمعیت های مزدور در درون مراکز کار پرداخته است. سندیکاسازی کرده است و گیلانی نژادها را به جان اعتصاب گسترده کارگران پیمانی نفت انداخته است، در روزهای اخیر، به دنبال وقوع فاجعه برج متروپل، شورش کارگران آبادان و شهرهای دیگر، سناریوی شنیع اولترافاشیستی گردائی کودک سربازان در استادیوم ورزشی و دهها مراسم قرون وسطائی عزاداری فاشیستی مقابله جویانه را تدارک دیده است.

وضع چنین است و در این شرایط سؤال اساسی پیش روی هر کارگر در هر نقطه جهنم سرمایه داری ایران آنست که در قبال این تهاجمات دهشتزای طبقه سرمایه دار و دولتش چه می توان نمود و چه باید کرد؟ پاسخ چیزی نیست که در کارگاههای اندیشه رسی، نظریاتی، برنامه نویسی، استراتژی پردازی احزاب، گروهها، فیلسوفان، جامعه شناسان و آکادمیکرها تعیین و تقریر شود. پاسخ واقعی را باید در تدارک حی و حاضر جنبش کارگری و ظرفیت میداننداری روز طبقه کارگر جستجو نمود، اما ارزیابی این ظرفیت خود موضوعی بحث انگیز است. از نظر طیف پرآشوب راست و چپ اپوزیسیون، کارگران نه فقط حالا که همیشه، ذاتا، سرشتی تنها کاری که از دستشان ساخته است آنست که حاکمان فعلی را کنار زنند و یکی یا ائتلافی از آنها را بر اریکه قدرت بنشانند. که چه شود؟؟!! که روز از نوروزی از نو!! حکام جدید تازه نفس به جان دهها میلیون کارگر افتند و آنچه را که قبلا وحوش اسلامی یا شاهنشاهی سرمایه بر سر آنها آورده است، حادثه و هارتر به روز آنها آرند. اما رویکرد ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی، همواره، همه جا نقش توده کارگر را متضاد با طیف بالا و ظرفیت جنبش کارگری را در مداری ماهیتا ضد پندار جماعت مذکور دیده است. در نگاه این رویکرد، هر نوع آویختن کارگران به امامزاده های بالای سر، یک فاجعه سهمگین تاریخی، انسانی است، این فقط خود کارگران، توده وسیع طبقه کارگر، آحاد این طبقه است که باید و می توانند سلسله جنبان سیر رخداده باشند. سرنوشت خویش کلا، از جمله راه و چاه پیکار روز برای تعیین سرنوشت را تعیین کنند، برنامه ریزی نمایند، لباس اجرا پوشانند. طبقه ما به طور بالقوه عظیم ترین قدرت تاریخ است، قدرتی که اگر سازمان یافته، آگاه، شورائی، سرمایه ستیز وارد میدان شود، می تواند کل جهنم مشتعل سرمایه داری را با جهانی بدون هیچ گرسنگی، فقر، آوارگی، جنگ،

جهانی بدون استثمار، نابرابری، ستمگری، دولت، طبقات، جهانی مالا مال از رفاه، آزادی، بی نیازی، برابری، همبستگی انسانی جایگزین کند. ما این قدرت را داریم اما تاریخا، هیچ گاه، در هیچ دوره ای، به هیچ میزان آن را برای رهایی خود، برای خلاصی خویش از شر استثمار، سببیت و موجودیت سرمایه داری به کار نگرفته ایم، همه جا، آن را تسلیم وحوش متفرق بورژوازی نموده ایم تا حسابهای خویش را با هم تسویه و متفق، متحد، اختاپوس دهشت سرمایه داری را حفظ و بر سر خود ما آوار کنند. آنچه الان نباید بکنیم این است و آنچه باید بکنیم راه افتادن برای ارتقاء به یک قدرت سازمان یافته، سراسری شورائی ضد بردگی مزدی است. اما قدرت شورائی سازمان یافته ضد سرمایه داری یک حزب نیست که با نوشتن مشتی اصول و فروع، برنامه حداکثر و حداقل، تنظیم قطعنامه و تعیین تاکتیک در هفت پستوها، یا پایتخت این و آن کشور پدید آید. قدرت شورائی متشکل ضد بردگی مزدی را فقط توده وسیع کارگری می سازد که در حال جنگ با سرمایه است و کل مصالح، تار و پود و دانش معماری این قدرت را از از کارزار ضد سرمایه داری خود بیرون می آرد. مبارزه ضد سرمایه داری معنای زمینی بسیار مشخص و ملموسی دارد، سرمایه ما را استثمار می کند، ما را از تصاحب حاصل کار و دخالت در سرنوشت کار، تولید و زندگی خود ساقط می کند، هر گام از پیکار ما باید گامی برای خارج سازی هر چه عظیم تر حاصل کار خود از چنگال وحوش سرمایه دار باشد، جنگ ما از اینجا آغاز می گردد، اما سرمایه دولت دارد، ارتش دارد، پلیس دارد، سپاه و بسیج و لباس شخصی دارد، سازمان های اختاپوسی اطلاعات سپاه و دولت، حوزه های علمیه متعدد دارد. سندیکای فلزکار مکانیک و گیلانی نژاد و دهها هزار عماله و اکره این چنینی دارد، سرمایه در همه وجوه هستی خود، با تمامی این جنه عظیم یکپارچه در مقابل ما قرار دارد، جنگ ما برای خارج سازی هر مقدار حاصل کار و تولید خویش، هر لحظه و هر میزان زندگی خود از چنگال قهر و قدرت سرمایه داری ناچار و ناگزیر جنگی علیه همه اینها است. اما واقعیت این است که ما تمامی ظرفیت و توان لازم برای این جنگیدن را داریم. آنچه اساسی است آنست که این قدرت را شورائی، سراسری سازمان دهیم و علیه سرمایه اعمال کنیم، همصدا و همرمز اعلام داریم که خواستار خارج شدن کل خورد و خوراک، پوشاک، دارو و درمان، مسکن، آموزش، مهد کودک ها، مراکز نگه داری سالمندان و معلولان از سیطره داد و ستدهای کالا - پولی سرمایه داری گردیم، همه، مستقل از شاغل یا بیکار، زن، مرد، کوچک و بزرگ باید به اندازه کافی از این امکانات برخوردار باشند و در ازای داشتن آنها ملزم به پرداخت هیچ ریالی نباشند. این خواست عملا متضمن الغاء کار خانگی زنان و بیشترین میزان کاهش فشار استثمار مضاعف آنان است. همزمان خواستار ممنوعیت مطلق دولت در امور شخصی زندگی انسان ها گردیم، این خواست ها و مطالبات رادیکال مشابه را به مثابه محتوای فوری کیفرخواست روز، بر سر طبقه سرمایه دار و

دولتش فرو کوبیم، پیداست که بورژوازی با کل قدرت قهر فاشیستی خود وارد میدان خواهد شد و ما نیز باید و می توانیم یکپارچه، با قدرتی عظیم تر، زیر بیرق واقعی رهائی انسان، وارد کارزار شویم، کل مراکز کار و تولید سرمایه داری را از سواحل خلیج تا کرانه خزر، از دامنه های آارات تا بندر چاه بهار، از سرخس تا پارس جنوبی را به ورطه تعطیل اندازیم، آب را بر این مراکز ببندیم، برق کل مؤسسات تولید سود را خاموش سازیم، اینها آرمان نیست، اتویی نیست، طبقه ما بارها این کار را در همین اشل و اندازه انجام داده است، شوربختی وصف ناپذیری است که این کار را به کرات کرده ایم اما نه برای خود که پشت سر بخشی از وحوش سرمایه دار علیه بخشی دیگر و حاصل این کارکردها همین وضعی است که الان داریم. بیائید برای همیشه طومار گمراهه رفتن ها را بر بندیم. همصدا، همدست و همرمز چرخ کار را در تمامی کارخانه ها، فروشگاهها، راهها، بنادر، بانکها، مدارس، دانشگاهها، آب، برق، نفت، گاز و همه جا از چرخش باز داریم. کل این مراکز را به تصرف خود در آوریم، شورا سازیم و با شوراهای خویش به اداره آنها، به برنامه ریزی کار و تولید آنها، به چه تولید شود و چه تولید نشود در آنها، چه کاری انجام گیرد و چه کاری تعطیل شود در آنها پردازیم، کل خانه های خالی صاحبان مستغلات را از چنگ آنها خارج و محل سکونت بدون هیچ اجاره بهای بی خانمان ها سازیم. کل اینها ممکن و مسلما ممکن است. باید راه افیتیم و هر کدام به عنوان سلول زنده یک ارگانیسم، دست به کار سازماندهی قدرت شورائی سراسری ضد بردگی مزدی گردیم. با دخیل بستن به دولت سرمایه، عریضه نگاری، بست نشینی، تنظیم شکوائیه، تحصن، اعتصابات پراکنده بدون هیچ همبستگی شورائی پاینده، شورش های خیابانی فاقد هر نوع دورنما، نقشه عمل، استخوان بندی آگاه قدرت، با عزیمت از همیشه کارگر ماندن و جاودانگی کار مزدی، با دخیل بستن به کارزار آرایش و پیرایش این نظام بشرستیز به شکلهای مختلف از جمله جایگزینی الگوهای مختلفش با هم، از راههای مختلف از جمله سرنگونی یک رژیم و به قدرت رساندن رژیم دیگر، با هیچ کدام اینها، با کل اینها هیچ و مطلقا هیچ گرهی از کوه مشکلات ما حل نمی گردد، هیچ نانی به سفره خالی فرزندان ما نمی آید، هیچ بیکاری شاغل نمی گردد، هیچ گورخوابی دارای سرپناه نمی شود، تغییر وضع موجود در هر سطح و به هر میزان محتاج داشتن یک قدرت سازمان یافته شورائی سراسری ضد سرمایه داری در پروسه پیکار واقعی علیه سرمایه در کلیه عرصه های زندگی اجتماعی است، این پیکار و سازماندهی این قدرت حتما ممکن است، باید راه افتاد، دست به دست هم داد، بیرق رهائی افراشت، با سرمایه داری جنگید، رژیم سرمایه را در هر شکل، زیر هر نام برای همیشه سرنگون کرد و نظام بردگی مزدی را نابود ساخت. بیائید پرچم این پیکار را برافرازیم، پرچمی که در کنارش جنگیدن گواه عزم راسخ طبقه ما برای رهائی کل بشریت باشد.